

مختصری درباره قطعنامه پارلمان اروپا در مورد کوبا

مقاله ای با عنوان " کوبا آری، فاشیسم نه"، نوشته فولکر هرمزدورف، منتشرشده در روزنامه آلمانی زبان "جهان نو" مورخ ۱۲ و ۱۳ ژوئن، به موضوع قطعنامه کنونی پارلمان اروپا در مورد کوبا پرداخته است که من نخست نکاتی از آن را ذیلاً نقل میکنم و سپس نظر خودم را در ارتباط با این قطعنامه مینویسم. نقل این نکات از جهت اطلاع خواننده از خود ماجرای این قطعنامه نیز ممکن است لازم باشد:

این قطعنامه (درباره حقوق بشر و وضعیت سیاسی در کوبا) در این پارلمان در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۲۱ با ۳۸۶ رأی موافق در برابر ۲۳۶ رأی مخالف و ۵۹ ممتنع به تصویب رسید. درخواست برای قطعنامه از جمله توسط "فاشیست های کاملاً آشکار" متعلق به "احزاب راست": Vox از اسپانیا، Fratel از ایتالیا، و HSP- AS از کرواسی از فراکسیون "محافظه کاران و اصلاح طلبان اروپا" در پارلمان مطرح گردید. همچنین لازم به ذکر است که در مقاله کشور کوبا بعنوان "کشور جزیره ای سوسیالیستی" شناخته شده است.

در این قطعنامه مصوب "وجود زندانیان سیاسی و بازداشت های خودسرانه" در کوبا محکوم شده اند. کمیسیون روابط بین المللی مجمع ملی کوبا به تصویب قطعنامه واکنش نشان داده و بیانیه ای صادر کرده است که در آن قطعنامه رد شده و اظهار شده است که "کوبا یک کشور آزاد، مستقل و با حق حاکمیت ملی است"؛ و پارلمان اروپا نقش غم انگیز گروگان گروه کوچکی از نمایندگان راست افراطی را ایفاء کرده که شیفته نابودی "انقلاب کوبا" هستند. . . .

این مقاله مدعی است که گروه سن ایزیدرو San Isidro همچنین دارای "ساختارهای تروریستی" هست. این ادعا بنظر من قطعاً واقعی و درست نیست، زیرا من در اینترنت هرگونه مدرکی که آن را تأیید کند نتوانستم پیداکنم. همچنین برای من وجود رابطه اعضای از این گروه با بعضی مقامات آمریکایی، که در مقاله مزبور به گروه نسبت داده شده است، روشن نیست. گروه سن ایزیدرو از قرار معلوم یک گروه کوبائی متشکل از برخی هنرمندان، خبرنگاران و استادان دانشگاه هست که از سپتامبر ۱۹۱۸ برای آزادی بیان در این کشور فعالیت و مبارزه میکنند.

اما آنچه که من - غیر از نکته فوق الذکر - میخواهم در اینجا بگویم :

پیش از همه باید بگویم که کاملاً روشن و قطعی است که کوبا یک کشور سوسیالیستی نیست بلکه یک کشور سرمایه داری دولتی هست، کلیت سیستم اجتماعی موجود در کوبا نه سوسیالیسم بلکه سرمایه داری دولتی معینی هست (لیکن -بنابر تشخیص من - با نرخ پائینی از استثمار کارگران)؛ بنابراین منجمله دموکراسی و آزادی های دموکراتیک سوسیالیستی در این کشور حکمفرما نیست. (این مطلب فی المثل در مقاله نوشته من بزبان آلمانی تحت عنوان "درباره "سوسیالیسم" در کوبا" با تاریخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۹ اثبات شده است). بعلاوه، نه تنها این، بلکه حتی دموکراسی بورژوائی حکمفرما مثلاً در کشورهای سرمایه داری پیشرفته کنونی نیز در کوبا حکمفرما نیست.

معدلک انقلاب کوبا (۱۹۵۹-۱۹۵۳) که منجر به سرنگونی رژیم سابق موردحمایت آمریکا و روی کارآمدن رژیم جدید کنونی گردید یک دگرگونی واقعاً مثبت بود که به سلطه ستمگرانه و استثمارگرانه و ویرانگرانه امپریالیسم آمریکا در آن زمان بر کوبا پایان داد. از آن زمان تاکنون منازعات بین حکومت (بلحاظ تاریخی- مشخص) بالنسبه مردمی کوبا و حکومت امپریالیستی آمریکا ادامه همان دگرگونی مثبت بحساب میاید که درطول آن لاقلاً معمولاً هربار حق با دولت کوبا بوده است.

البته همکاری و اتحاد حکومت کوبا با رژیم های ارتجاعی و ضد مردمی ازقبیل رژیم جمهوری اسلامی فوق ارتجاعی ایران قطعاً محکوم میباشد. و البته فقدان همان دموکراسی و آزادی های دموکراتیک بورژوائی در کوبا و کلیه اعمال و رفتارهای خودکامانه و مستبدانه حکومت این کشور با گروههای مختلف مردم یا نماینده مردم قطعاً محکوم بوده و بایستی علیه آنها کارگران و کمونیست ها و گروهها و افراد پیشرو نسبتاً مترقی در کوبا و سراسر جهان بطورجدی مبارزه کنند. ولی این کسان باید درعین حال مراقب باشند به ابزاری درخدمت مقاصد و سیاستهای آمریکا در رابطه با کوبا تبدیل نشوند. برای اینکه چنین شود، بنظر من، بایستی، بهنگام مبارزه برضد اعمال و رفتارهای مذکور از سوی حکومت کوبا، همچنین برضد سیاستهای حکومت آمریکا درقبال کوبا بطورروشن موضع گیری کرد و یا لاقلاً بنحوی دائمی دارای چنین موضعی بود و غیره.

درخواست برای آن قطعنامه در پارلمان اروپا تاآنجا که ازسوی آن نمایندگان فاشیست صورت گرفته است- بنظر من- قطعاً استفاده ابزاری از فقدان دموکراسی در کوبا علیه حکومت این کشور و برله حکومت ایالات متحده بوده است، اما نمایندگانی که با تصویب قطعنامه موافقت کرده اند ممکن است یا چنین قصدی داشته و چنین نقشی ایفاء کرده باشند یا اینکه بزعم خودشان تنها خواسته اند از فرصت برای مبارزه بر ضد فقدان دموکراسی بورژوائی در کوبا بهره برداری نمایند؛ بدین معنا این افراد در این ارتباط با یکدیگر تفاوت دارند. (لازم به ذکر است که من خواستم میزان صحت و سقم نظرخودم در مورد این فاشیست ها و سایر نمایندگان را با اطلاعات دیگری که بتوانم در اینترنت بدست آورم بفهمم ولی موفق نشدم چنین اطلاعاتی پیداکنم).

و برخلاف اظهارنظر مربوطه کمیسیون روابط بین المللی مجمع ملی کوبا، "نمایندگان راست افراطی" پارلمان اروپا نه خواستار "نابودی" انقلاب کوبا بلکه خواهان "نابودی" رژیم فعلی کوبا میباشند؛ این انقلاب فقط تا مدت زمانی پس از ژانویه ۱۹۵۹ موجودیت داشت یعنی خود این انقلاب فقط تا زمان تثبیت قطعی رژیم سیاسی و نظام اجتماعی جدید ادامه داشت و طبعاً دیگر وجود ندارد. این قانون میزان موجودیت هر انقلاب باصطلاح پیروزمند یا به بیان دیگر یک وجه اساسی مفهوم این انقلاب است. حکومت کوبا اینگونه بطور نادرست از "انقلاب کوبا" سخن میگوید برای اینکه در انظار عمومی چهره و قیافه حق بجانب انقلابی بخود گیرد. و استقلال و حق حاکمیت ملی کوبا - ذکر شده توسط کمیسیون مزبور- در شکل ممانعت دربرابر دخالت خارجی، در موردیکه دخالت مثبت جریانهای واقعاً مترقی در کوبا بنفع گروههای اجتماعی یا سیاسی یا نوع دیگر واقعاً تحت ستم در این کشور مطرح باشد، کاملاً غیر قابل قبول و ناصحیح است؛ و نیز بدرجات مختلف معینی چنین است در موارد دیگری که به درجات مختلف معینی مشابه آن مورد باشد

حمید پویا ، ۲ ژوئن ۲۰۲۱

این مقاله ترجمه مقاله ای با همین عنوان و با همین تاریخ است که من بزبان انگلیسی نوشته ام و سپس آن را خودم بفارسی برگردانده ام.

حمید پویا

